



نقش امام رضا علیه السلام در نشر احادیث نبوی درباره جایگاه اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر منابع اهل سنت

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

اصغر طهماسبی بلداجی^۱؛ روناک امامی^۲

چکیده

سنت نبوی یکی از منابع دین و اشتراکات فریقین در اصول و فروع است. اهمیت این مهم از آنجا مشخص می‌شود که نقطه اشتراک تمامی مسلمانان با هر مذهبی، سنت قطعی پیامبر ﷺ است. بر همین اساس، استناد به این سنت در تقویت اشتراکات و تقلیل اختلافات حائز اهمیت است. امام رضا علیه السلام در دوران امامت خود با توجه به شرایط موجود با استناد به احادیث نبوی به تبیین جایگاه و مقام اهل بیت علیهم السلام پرداختند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به بررسی جایگاه اهل بیت علیهم السلام در منقولات امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم ﷺ با تکیه بر منابع اهل سنت می‌پردازد و مصادیق متعدد این تبیین را مورد مذاقه قرار می‌دهد. در نتیجه، امام رضا علیه السلام در شرایط گوناگون، جایگاه اهل بیت علیهم السلام در سنت نبوی را در محورهای متعددی همچون معرفی موردی مقام و منزلت برخی اهل بیت علیهم السلام، تبیین جایگاه امام علی علیه السلام و ولایت ایشان، جایگاه ولایت اهل بیت علیهم السلام، جایگاه محبت و مودت به اهل بیت علیهم السلام، لزوم پیروی از اهل بیت علیهم السلام و اجتناب از دشمنی با آنها، برای مردم تبیین کرده‌اند که غایت این امر، افزایش محبت و مودت مسلمانان به اهل بیت علیهم السلام بوده است.

کلیدواژه‌ها: احادیث نبوی، سنت نبوی، امام رضا علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام، اهل سنت.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهرکرد: tahmasebiasghar@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول): r.114emami@gmail.com

۱. مقدمه

اهل سنت روایات زیادی از ائمه معصومین (علیهم السلام) در کتب خود نقل کرده‌اند. بخشی از این روایات به فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص دارد، زیرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) احادیثی را در بیان فضایل و مقام معنوی ائمه معصومین (علیهم السلام) بیان فرمودند و از این طریق، جایگاه آن‌ها را برای مردم روشن کردند. به عنوان نمونه، حدیث ثقلین یکی از احادیث متواتر نقل شده در منابع اهل سنت است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَن تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ...»^۱ (ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۶: ۱۳۳؛ برای مطالعه بیشتر ن. ک: ابن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ۱۶۹-۱۷۰؛ دارمی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۲۴؛ مسلم، ج ۴: ۱۸۷۳). این روایت متواتر نبوی به صراحت به اهمیت جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در کنار قرآن اشاره می‌کند. علاوه بر این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مواضع گوناگون، جایگاه ولایت و مودت اهل بیت (علیهم السلام) را برای مردم تبیین کردند. خود اهل بیت (علیهم السلام) نیز در شرایط گوناگون با توجه به مقتضیات زمانی خود به تبیین جایگاه خود به لحاظ علمی و عملی اقدام می‌کردند که با توجه به این اقدام، به محبان و پیروان ایشان در هر عصری افزوده می‌شد. امام رضا (علیه السلام) عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) با توجه به موقعیتی که در دوران ایشان پیش آمد، در مواضع گوناگون به این رسالت ادامه دادند و با رویکرد اشتراکی مسلمانان این مسئله را بیش از پیش تبیین کردند. به این صورت که با استناد به احادیث نبوی که مورد قبول همه مسلمانان بود، این نکته مهم را مورد تأکید قرار دادند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره فضایل اهل بیت (علیهم السلام) در منابع اهل سنت تحقیقاتی صورت گرفته است که عبارت

۱. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «به راستی من [دو امر] در بین شما به جا می‌گذارم که بدان تمسک جوئید [و] هرگز بعد از من گمراه نشوید، یکی از آن دو، بزرگ‌تر از دیگری است: کتاب خدا که ریسمانی است که از آسمان تا زمین کشیده شده و [دیگر] عترتم اهل بیتم، و آن دو! هرگز از یک دیگر جدا نشوند تا آنکه در حوض اکوثر! بر من وارد شوند [بازگردند].»

است از: کتاب «فضائل اهل بیت (علیهم السلام) از منابع اهل سنت»، محمدرضا امین زاده (۱۳۷۷)؛ کتاب «مناقب اهل بیت (علیهم السلام) از دیدگاه اهل سنت»، محمد طاهر هاشمی (۱۳۸۱) به اهتمام ناصر حسینی میبدی؛ پایان نامه «فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در تفاسیر اهل سنت»، مصطفی آذرخش (۱۳۷۶)؛ پایان نامه «جایگاه اهل بیت در تفاسیر اهل سنت»، جواهر محمدی (۱۳۹۰)؛ «روایات اهل بیت (علیهم السلام) در منابع اهل سنت»، نوروز امینی (۱۳۸۷)؛ مقاله «منزلت امام رضا (علیه السلام) در تفاسیر اهل سنت»، قاسم بستانی (۱۳۹۴)؛ مقاله «سخنان امام رضا (علیه السلام) در تفاسیر اهل سنت»، سیده فاطمه حسینی میرصفی (۱۳۹۴). پژوهش فرارو ضمن توجه به پژوهش‌های پیشین متمایز از این آثار نگاشته شده است؛ اولاً با تکیه بر رویکرد امام رضا (علیه السلام) و نقش ایشان در نشر احادیث نبوی درباره اهل بیت (علیهم السلام) است. ثانیاً این احادیث را در محورهای متعدد بررسی و تقسیم بندی کرده است که می‌توان از این تقسیم‌بندی، رویکرد امام رضا (علیه السلام) به این مهم را استنباط کرد و برای این امر، ابتدا کلیدواژه‌های «الرضا» و «علی بن موسی» با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی در منابع اهل سنت جست‌وجو شد. سپس احادیثی را که امام رضا (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه و فضایل آن‌ها نقل کرده بودند، استخراج و با توجه به محتوا دسته‌بندی شد. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که نقش امام رضا (علیه السلام) در تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) چگونه بوده است و امام از چه راهبردی در تبیین و تأکید هر چه بیشتر این مهم بهره گرفتند؟

۳. دسته‌بندی روایات امام رضا (علیه السلام) منقول از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام)

عصر امام رضا (علیه السلام) دوران تشتت آرا و شکل‌گیری نحله‌های مختلف فکری و عقیدتی است. تعاملات وسیع عباسیان با سایر دول، ترجمه متون علمی یونان و فضای نسبتاً باز سیاسی، زمینه‌آشنایی مسلمانان با افکار گوناگون را فراهم کرده است. امام رضا (علیه السلام) با حضور در مجالس، به احتجاج با سران دیگر ادیان و رهبران مکاتب پرداخته و از این راه به بیان معارف ناب اسلام می‌پرداختند (جلیلیان، ۱۳۹۱: ۱۰).

در منابع اهل سنت، روایاتی از امام رضا (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وجود دارد که در این روایات به مقام، فضایل و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) اشاره و تأکید شده است. امام رضا (علیه السلام) با ذکر سلسله سند این روایات که از ائمه قبل از خودشان شروع و به پیامبر ختمی مرتبت ختم می‌شود، به خوبی و روشنی به معرفی اهل بیت نبوی و جانشینان برحق ایشان و تبیین جایگاه ایشان پرداختند و از این طریق، به بازشناسی و احیای سنت ناب محمدی کمک شایانی کردند. می‌توان گفت که تکیه ائمه (علیهم السلام) بر طریق آباء خود در نقل روایت، بهترین علامت برای ترویج تفکر شیعی بوده است (جعفریان، ۱۳۸۸: ۲۱۹). امام رضا (علیه السلام) با توجه به عصر خویش و مقتضیات آن، جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در سنت نبوی را در محورهای متعددی برای امت تبیین کردند که به بخش‌های ذیل، قابل تقسیم است:

۳-۱. تبیین موردی مقام اهل بیت (علیهم السلام)

بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جامعه اسلامی از مسیر حقیقی و درست خود دور شد و با گذشت زمان و با روی کار آمدن بنی امیه و بنی عباس نیز اوضاع بدتر شد به نحوی که در نهایت، خلافت و امامت به یک منصب عادی اجتماعی مبدل شد. ائمه معصومین (علیهم السلام) در هر دوره‌ای با اقدامات علمی و عملی خود به جنگ انحرافات رفتند و امام رضا (علیه السلام) نیز از این قاعده مستثنی نبودند، به طوری که روایات منقول از ایشان درباره امامت، بخش عظیمی از روایاتشان را به خود اختصاص داده است و از کلیات آن برمی‌آید که حضرت در هر جایی به هر نحوی با این جریان انحرافی به مبارزه پرداختند و مهم‌ترین تذکر ایشان درباره امامت، الهی بودن این منصب و دور بودن شأن آن از انتخابات مردمی است (ن.ک: بهادری نیا، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۷).

امامت حضرت رضا (علیه السلام) با دو دشواری مهم قرین گشته بود: از یک طرف، با رواج ترجمه کتب فلسفی یونانی و جنبش پیروان ادیان دیگر در خرده‌گیری بر اسلام، عرصه فرهنگی جامعه نیازمند ارشاد و هدایت‌گری بود و از سوی دیگر، ریاکاری این خلیفه نابکار در پوشیدن جامه زهد و برگزیدن لقب «امام» برای خود، ابهامات زیادی میان مردمان پدید آورده بود. در این شرایط، امام رضا (علیه السلام) پا در میدان رزم فکری نهادند و در کانون‌های پر

تشستی چون بصره و خراسان، پاسخگوی پرسشگران و علمای ادیان شدند؛ در عین حال به روشنگری اذهان مسلمانان در جهت افشای تزویرهای مأمون اقدام کردند. یکی از این روشنگری‌ها، در جهت شناساندن مقام و شأن «امام» بود (علوی، ۱۳۷۹: ۹۵) اقدامات راهبردی امام (علیه السلام) در مصادیق متعدد قابل بررسی است.

۳-۱-۱. مقام امام علی (علیه السلام)

احادیث «یا علی، إِنَّكَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ»^۲ (ابن مردویه، ۱۴۲۴ق: ۶۴-۶۵؛ ابن مغزالی، ۱۴۲۷ق: ۱۳۰) و «یا علی انا مدينة العلم و أنت الباب، کذب من زعم أنه يصل إلى المدينة إلا من الباب»^۳ (ابن مغزالی، ۱۴۲۴ق: ۱۴۲؛ ۱۴۲۷ق: ۱۵۶)، به امت یادآوری می‌کند که امیر المومنین علی (علیه السلام)، امام و پیشوای برحق مسلمین بوده است و به وضوح بر مرجعیت علمی و جایگاه برتر علمی ایشان تأکید می‌نماید. امام رضا (علیه السلام) به زیبایی به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ولایت و جانشینی امام علی (علیه السلام) و همچنین اصل تولی و تبری را با ذکر این حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاُ اللَّهِ مَوْلَاُ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِي مَنْ عَادَاهُ وَ أَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَخْذُلُ مَنْ خَذَلَهُ»^۴ (ابن عساکر، ۱۹۹۵، ج ۴۲: ۲۱۲) به امت گوشزد کرده است.

حدیث «یا علی إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لَأَهْلِكَ وَ لَشِيعَتِكَ وَ لِمَحَبَّتِي شِيعَتِكَ، وَ لِمَحَبَّتِي مَحَبَّتِي شِيعَتِكَ، فَأُبَشِّرُ فَإِنَّكَ الْأَنْزَعُ الْبَاطِنِينَ؛ الْمَنْزُوعُ مِنَ الشَّرْكِ، الْبَاطِنِينَ مِنَ الْعِلْمِ»^۵ (ابن مغزالی، ۱۴۲۷ق: ۴۷۶) بیانگر مقام امام علی (علیه السلام) و تأثیر پذیرش ولایت ایشان است. این حدیث رضوی به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «... هبط جبریل علی النبی صلی الله علیه و سلم قال یا محمد إِنْ رَبِّكَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ عَلِيٌّ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ

۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ای علی! همانا تو، سرور مسلمانان، امام پرهیزگاران، رهبر سپیدرویان نامدار و پیشوای مؤمنان هستی.»

۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ای علی! من شهر علمم و تو درب آنی، دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند جز از درب، به شهر می‌رسد.»

۴. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هرکس من فرمانروای اویم، علی فرمانروای اوست، خدایا هرکس که او را دوست بدارد، دوست بدار و هرکس که او را دشمن بدارد، دشمن بدار و هرکس او را یاری کند، یاری کن و هرکس او را خوار سازد، خوار کن.»

۵. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ای علی! به درستی که خدای عزوجل، تو، خانواده تو، پیروان تو، دوستان پیروان تو، دوستداران دوستان پیروان تو را می‌بخشد، پس بر تو بشارت باد، به درستی تو کناره‌گیر لبریز هستی؛ از شرک بر کنار شده‌ای، از علم و دانش سرشار شده‌ای.»

موسی لکن لا نبی بعدک^۶ (محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۶۴) که به حدیث منزلت معروف است و اهل سنت نیز بر صحت و قطعی الصدور بودن آن اتفاق نظر دارند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۹۵، ۹۷، ۱۱۴؛ ج ۱۷: ۳۷۳؛ طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ۱۰۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۲۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸: ۲۴)، بیانگر منزلت، مقام و جایگاه امام علی (علیه السلام) است؛ علاوه بر احادیث فوق، امام رضا (علیه السلام) احادیث متعدد دیگری را نیز از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره نقل کردند که بیانگر اهتمام ایشان به نشر احادیث نبوی و تبیین ولایت امام علی (علیه السلام) بوده است (ن.ک: ابن مردویه، ۱۴۲۴ق: ۱۷۹-۱۸۰؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۵۰؛ ابن مغالزی، ۱۴۲۷ق: ۱۳۲، ۱۳۵-۱۳۶؛ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۲۹۴-۲۹۵؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵، ج ۴۲: ۵۷-۵۸؛ رافعی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۴۸۱-۴۸۲؛ محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۶۱؛ جوینی، ج ۱: ۱۰۵-۱۰۶، ۱۴۲، ۳۰۹-۳۱۰).

۳-۱-۲. مقام حضرت زهرا (علیها السلام)

بزرگداشت حضرت زهرا (علیها السلام) توسط نبی مکرم اسلام در سیره نبوی برای امت اسلامی، امری کاملاً عیان بود و احادیث زیادی در منابع شیعه و سنی همچون «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ أَدَاهَا فَقَدْ آذَانِي...»^۷ (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۱۰۵) و «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»^۸ (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۳۷۴)، از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در تکریم و تعظیم ایشان نقل شده است که بر مقام و عظمت والای حضرت زهرا (علیها السلام) دلالت دارد. احادیث رضوی منقول از رسول ختمی مرتبت در منابع اهل سنت مبنی بر آسمانی بودن پیوند حضرت زهرا (علیها السلام) (محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۳۱-۳۲)، محشور شدن و داخل شدن در بهشت به بهترین شکل، با بهترین و کامل ترین کرامت (ابن مغالزی، ۱۴۲۴ق: ۴۶۸؛ همان، ۱۴۲۷ق: ۴۷۷-۴۷۸؛ ابن عساکر، ۱۹۹۵، ج ۱۳: ۳۳۴؛ محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۴۸) و همچنین درخواست حضرت زهرا (علیها السلام) مبنی بر محاکمه قاتل فرزندان در عالم محشر (ابن مغالزی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۷؛ ۱۴۲۷ق: ۱۲۷-۱۲۹؛ جوینی، ج ۲: ۲۶۵-۲۶۶) بر منزلت و مقام

۶. جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شد، گفت ای محمد! همانا پروردگارت بر تو سلام رسانید و فرمود: «علی برای تو به منزله هارون

برای موسی است، اما بعد از تو، پیامبری نیست (نخواهد آمد).»

۷. همانا فاطمه پاره تن من است، هر کس فاطمه را بیازارد، مرا آزرده است.

۸. فاطمه پاره تن من است، پس هر که او را به غضب آورد، مرا غضبتاک کرده است.

والای ایشان دلالت دارد. امام رضا (علیه السلام) با بیان این حدیث رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) «إِنَّمَا سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مِنْ أَحَبِّهَا مِنَ النَّارِ»^۹ (ابن مغزلی، ۱۴۲۷ق: ۱۲۹؛ محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۲۶؛ جوینی، ج ۲: ۵۸؛ مقریزی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۶)، جایگاه منحصر به فرد حضرت زهرا (علیها السلام) و با نقل حدیث نبوی که حضرت زهرا (علیها السلام) را «طاهرة مطهرة» نامیدند (محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۴۴)، پاکی و عصمت ظاهری و باطنی این بانوی بزرگوار را دوباره به امت خاطر نشان کردند. امام (علیه السلام) با نقل این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) «یا فاطمة انّ الله عزوجل يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»^{۱۰} (محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۳۹)، حجت را بر امتی که مقام عترت نبوی را فراموش کردند، تمام ساختند، زیرا حدیث مذکور، غضب و رضایت الهی را وابسته به غضب و رضایت حضرت زهرا (علیها السلام) دانسته است.

این نوع تعظیم و تکریم از سوی نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) در منابع اهل سنت، بر عظمت مقام معنوی، جایگاه والا و محبوبیت خاص حضرت زهرا (علیها السلام) دلالت دارد و امام رضا (علیه السلام) با نقل چنین احادیثی به بازشناسی و تبیین مقام معنوی و جایگاه الهی حضرت زهرا (علیها السلام) برای مردم عصر خود و آیندگان پرداختند؛ بنابراین پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، وجود حضرت زهرا (علیها السلام)، مهم‌ترین سند و ملاک برای تشخیص حق از باطل بوده است، چراکه بررسی تاریخ اسلام حاکی از مخالفت‌ها و اعتراضات حضرت زهرا (علیها السلام) نسبت به خلفاست^{۱۱} که

۹. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «همانا دخترم، فاطمه نامیده شد؛ زیرا خداوند عزوجل، او و دوستدارانش را از آتش باز گرفته است (دور کرده است).»

۱۰. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ای فاطمه! همانا خداوند عزوجل به غضب تو غضب می‌کند و به رضای تو راضی می‌گردد.»

۱۱. محمد بن اسماعیل بخاری با نقل سلسله سندی از عایشه می‌گوید: «حضرت زهرا (علیها السلام)، ابوبکر را به‌خاطر (ماجرای فدک) ترک کرد و با او صحبت نکرد تا وفات یافتند، حضرت زهرا (علیها السلام) شش ماه بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) زندگی کرد، هنگامی که وفات نمودند، همسرش علی (علیه السلام) او را شبانه دفن کرد و به ابوبکر اجازه نداد تا در تشییع و تدفین او شرکت کند.» «فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت و عاشت بعد النبی سته اشهر، فلما توفیت دفنها زوجها علی لیلا و لم یؤذن بها أبابکر...» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۵۴۹)؛ بیهقی در «سنن الکبری» با نقل سلسله سندی از عایشه می‌گوید: «...حضرت فاطمه (علیها السلام) بر ابوبکر غضب کرد و خشمناک شد، و از او اعراض نمود و با او صحبت نکرد تا این که فوت شد؛ پس علی (علیه السلام) او را شبانه دفن کرد و به ابوبکر اجازه نداد تا در تشییع و تدفین او شرکت کند...» «فغضبت فاطمه رضی الله عنها و هجرته، فلم تکلمه حتی ماتت دفنها علی رضی الله عنه لیلا، و لم یؤذن بها أبابکر رضی الله عنه...» (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۶: ۴۸۹)؛ ابن قتیبه در کتاب «الامامة و السیاسة» آورده است: «عمر به ابوبکر گفت: بیا با هم به پیش فاطمه برویم؛ زیرا ما او را غضبناک کردیم، پس به راه افتادند و از فاطمه اذن ورود خواستند، ولی او اجازه نداد. به نزد علی (علیه السلام) رفته و با او سخن گفتند، او آن‌ها را به داخل خانه آورد و چون نزد فاطمه نشستند، آن حضرت صورتش را به طرف دیوار برگرداند و جواب سلام آنان را نداد. پس ابوبکر گفت: ای محبوب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خدا سوگند خویشاوندی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد من دوست داشتنی‌تر از خویشاوندی خودم است و من تو را از دخترم عایشه بیشتر دوست دارم، روزی که پدرت وفات کرد دوست داشتم من هم می‌مردم تا بعد از او باقی نمانم. آیا گمان می‌کنی من با این که تو را می‌شناسم و فضل و شرف تو را می‌دانم تو را از حق و میراث محروم می‌کنم؟ اما از پدرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌گفت «ما ارث به جانمی‌گذاریم و هر چه از ما باقی بماند، صدقه است.»

اگر مردم، نظرات و دیدگاه‌های ایشان را سرلوحه زندگی خویش قرار می‌دادند، هرگز بر خلاف سنت نبوی رفتار نمی‌کردند، گمراه نشده و گرفتار فتنه و انحراف اعتقادی و سیاسی نمی‌شدند، با توجه به اینکه تاریخ تکرار می‌شود، امت اسلامی در هر دوره‌ای با معرفت پیدا کردن و شناخت مقام و عظمت وجودی ائمه (علیهم السلام) به‌ویژه مقام معنوی حضرت زهرا (علیها السلام) و پیروی از عترت نبوی، هرگز گمراه نخواهند شد.

۳-۱-۳. مقام امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)

عشق و محبت بی‌نظیر نبی مکرم اسلام نسبت به حسنین (علیهم السلام) در منابع فریقین با متونی همچون «سیدا شباب أهل الجنة» (ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۶: ۱۱۷؛ نسائی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۴۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۱۲) و «ریحانتی من الدنيا» (بزار، ۱۹۸۸-۲۰۰۹، ج ۱۲: ۳۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲) بیان شده که دلیل محکم و قاطعی بر فضایل و برتری مقام حسنین (علیهم السلام) بوده است. امام رضا (علیه السلام) با بیان احادیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مبنی بر عقیقه کردن و صدقه دادن هنگام ولادت حسنین (علیهم السلام)^{۱۲} (محب الدین

در این هنگام فاطمه (علیها السلام) فرمود: «اگر حدیثی از رسول خدا برای شما نقل کنم آیا آن را تأیید می‌کنید و به آن عمل می‌کنید؟» گفتند: آری! فرمود: «شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا شما دو نفر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشنیدید که فرمود: «خشنودی فاطمه خشنودی من و ناراحتی او ناراحتی من است. هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خشنود نماید مرا خشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟»، ابوبکر و عمر هر دو اعتراف کرده و گفتند: «آری ما از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این گونه شنیده‌ایم. سپس صدیقه طاهره فرمود: «پس من خدا و فرشتگان را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کرده‌اید و در ملاقات با پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد، به خدا قسم پس از هر نماز بر تو نفرین می‌کنم. به خدا قسم پس از هر نماز بر تو نفرین می‌کنم.» «فقال عمر لأبی بکر، رضی الله عنهما: انطلق بنا إلی فاطمة، فإننا قد أغضبناها، فانطلقا جميعا، فاستأذنا علی فاطمة، فلم تأذن لهما، فأتیا علیا فكلما، فأدخلهما علیها، فلما قعدا عندها، حولت وجهها إلی الحائط، فسلمنا علیها، فلم ترد علیهما السلام، فتكلم أبو بکر فقال: یا حبیبة رسول الله! والله إن قرأه رسول الله أحب إلی من قرأبتی، وإنک لأحب إلی من عائشة ابنتی، و لوددت یوم مات أبوک أني مت، و لا أبقي بعده، أفترانی أعرفک و أعرف فضلك و شرفک و أمنعک حقک و میراثک من رسول الله، إلا أني سمعت أباک رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول: لا نورث، ما ترکنا فهو صدقة، فقال: أرايتكما إن حدثتكما حدیثا عن رسول الله صلی الله علیه و سلم تعرفانه و تفعلان به؟ قال: نعم، فقالت: نشدتكما الله أ لم تسمعا رسول الله یقول: رضا فاطمة من رضای، و سخط فاطمة من سخطی، فمن أحب فاطمة ابنتی فقد أحبنی، و من أرضی فاطمة فقد أرضانی، و من أسخط فاطمة فقد أسخطنی؟ قال: نعم سمعنا من رسول الله صلی الله علیه و سلم، قالت: فانی أشهد الله و ملائکته أنکما أسخطتمانی و ما أرضیتما، و لئن لقيت النبی لأشکونكما إلیه... والله لأدعون الله علیک فی کل صلاة أصلیه...» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۱)؛ برای مطالعه بیشتر ن. ک: مسلم، ج ۳: ۱۳۸۰).

۱۲. «...أسماء بنت عمیس قالت عقی رسول الله صلی الله علیه و سلم عن الحسن یوم سابعه بکبشین أملحین و أعطی القابلة الفخذ و حلق رأسه و تصدیق بزنة الشعر ثم طلی رأسه بیده المبارکة بالخلوق ثم قال یا أسماء الدم من فعل الجاهلیة، فلما کان بعد حول ولد الحسن فجاء النبی صلی الله علیه و سلم ففعل مثل الاول قالت و جعله فی حجره فبکی صلی الله علیه و سلم قلت فداک أبی و أمی مم بکاءک فقال إبنی هذا یا أسماء إنه تقتله الفتنة الباغية من أمتی لا أنالهم الله شفاعة ی صلی الله علیه و سلم فاطمة فانها قریبة عهد بولادة» «أسماء بنت عمیس گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای [امام] حسن (علیه السلام) در روز هفتم [تولدش]، دو گوسفند خاستری رنگ عقیقه کرد و به قابله یک ران گوسفند و یک دینار پرداختند، سر کودک را تراشیدند و هم‌وزن موهایش نقره صدقه دادند و سپس بر سر کودک با دست مبارکش خلوق (ماده‌ای خوشبو) مالیدند و فرمودند: ای اسماء! مالیدن خون بر سر نوزاد از کارهای

طبری، ۱۳۵۶: ۱۱۹) و نام گذاری حسنین (علیهم السلام) توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (همان: ۱۲۰)، توجه ویژه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به این بزرگواران نشان داده است.

امام رضا (علیه السلام) با نقل این حدیث نبوی «إِنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ عَلَيْهِ نَصْفُ عَذَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا- وَقَدْ شُدَّ يَدَاهُ وَرَجُلَاهُ بِسَلَّاسِلَ مِنْ نَارٍ- مُنْكَسٌ فِي النَّارِ حَتَّى يَقَعَ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ- وَلَهُ رِيحٌ يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ إِلَى رَبِّهِمْ مِنْ شِدَّةِ نَارِهِ- وَهُوَ فِيهَا خَالِدٌ ذَاتِقٌ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ- مَعَ جَمِيعٍ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِهِ- كُلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمُ الْجُلُودَ غَيْرَهَا- حَتَّى يَذُوقُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ لَا يُقْتَرُ عَنْهُمْ سَاعَةً- وَيُسْقَوْنَ مِنْ حَمِيمٍ جَهَنَّمَ فَالْوَيْلُ لَهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^{۱۳} (ابن مغازلی، ۱۴۲۷ق: ۱۳۱-۱۳۲)، جایگاه الهی امام حسین (علیه السلام) و حقانیت ایشان را به روشنی نشان داده اند؛ زیرا وصف عذاب اخروی قاتل امام حسین (علیه السلام)، بیانگر اوج ظلم و جنایتی است که دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) مرتکب شده اند و در طول تاریخ اسلام، نظیری برای آن وجود ندارد.

یکی از نکات مهم و قابل تأمل حدیث مذکور این است که خداوند متعال به هیچ وجه از خون امام حسین (علیه السلام) نمی گذرد و این امر، هشدار و عبرتی برای ستم گران و جنایت کاران عالم است که آسوده نباشند، چرا که تخطی از امر الهی و دشمنی با عترت نبوی، عواقب دنیوی و اخروی خاص خود را دارد.

۳-۱-۴. مقام امام رضا (علیه السلام)

امام رضا (علیه السلام) در حدیثی ضمن بیان این مطلب که «إِنِّي مُقْتُولٌ مَسْمُومٌ مَدْفُونٌ بِأَرْضِ

دوره جاهلی است، هنگامی که بعد از مدتی [امام] حسین (علیه السلام) متولد شد، پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند، پس مثل اول (یعنی کارهایی را که برای ولادت امام حسن (علیه السلام) انجام دادند برای ولادت امام حسین (علیه السلام) نیز انجام دادند).... پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) گریستند، گفتند: پدر و مادرم فدای تو باد، چرا می گری؟ پس فرمودند: ای اسماء! همانا این پسر را گروهی ستمگر و سرکش از امت می کشند، خداوند شفاعت مرا بهره ایشان نفرماید. [سپس فرمودند: ای اسماء! این موضوع را به حضرت فاطمه (علیها السلام) مگو که تازه زایمان کرده است]» (محب الدین طبری، ۱۳۵۶: ۱۱۹).

۱۳. به تحقیق قاتل حسین در تابوتی از آتش است، و نصف عذاب اهل آتش بر اوست و دست ها و پاهای او با زنجیرهایی از آتش بسته خواهد بود، به آتش نگونسار می گردد تا در ته دوزخ واقع شود، و برای او بویی است که اهل آتش از شدت بوی عفونتش به خدای عزوجل پناهنده می شوند و در آن آتش تا ابد خواهد ماند تا آن عذاب بزرگ را بچشد، هر چه پوست تن آن ها بسوزد آنان را پوست دیگری جایگزین کنیم تا (سختی) عذاب دردناک را بچشند، ساعتی از آن ها قطع نمی گردد و از آب داغ دوزخ خواهند نوشید، وای بر آن ها از عذاب خدای عزوجل.

غریبه»^{۱۴}، از پدران بزرگوارش به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می فرماید «أعلم ذلك بعهد عهده إلى أبي عن أبيه عن آبائه عن علي بن أبي طالب رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم ألافمن زارني في غربتي كنت أنا و آبائي شفعاؤه يوم القيامة و من كنّا شفعاؤه نجا و لو كان عليه مثل وزر الثقلين»^{۱۵} (جوینی، ج ۲: ۱۹۲). متن مذکور به روشنی و صریح پاداش زیارت امام رضا (علیه السلام) را شفاعت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) در روز قیامت دانسته است. امام رضا (علیه السلام) با بیان این حدیث نبوی، مقام ائمه (علیهم السلام) را به خوبی برای مردم تبیین می نماید، زیرا وجود مبارک ائمه معصومین (علیهم السلام) چه در زمان حیات و چه در زمان مماتشان برای امت سرشار از خیر و برکت است.

۳-۲. جایگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام)

مسئله ولایت و رهبری به طور کلی و امامت به معنای جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به طور خاص، از مهم ترین مباحث عقیدتی، تفسیری و روایی در تاریخ اسلام است و در طول تاریخ طولانی اسلام درباره هیچ مسئله ای این مقدار سخن گفته نشده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۱۸).

ولایت در مکتب اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار است که بزرگان و علمای اسلام از آن به عنوان رکن و اساس توحید و دژ مستحکم الهی یاد کرده اند (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳: ۸۹)، این حدیث از امام باقر (علیه السلام) «بنی الإسلام على خمس الصلاة و الزكاة و الحج و الصوم و الولاية و لم تناد بشيء ما نودی بالولاية»^{۱۶} (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۶۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۴)، نیز ولایت را به عنوان یکی از ارکان دین اسلام معرفی کرده است. با توجه به اینکه امامت و ولایت، اصلی لازم برای هر جامعه و مکتب بوده است، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نیز نگاهبانی از دین

۱۴. «همانا من کشته شده مسموم در سرزمین غربت هستم.»

۱۵. «آن را می دانم به سفارشی که پدرم از پدرش از پدران خود از [امام] علی بن ابیطالب (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من [روایت کرده اند]، آگاه باشید که هر کس مرا در غربت زیارت کند، من و پدرانم شفاعت کننده او در روز قیامت خواهیم بود و هر کس ما شفیع او باشیم، نجات یابد، هر چند برای او مثل گناه ثقلین باشد.»

۱۶. «اسلام بر پنج [پایه] بنا شده است (استوار است)؛ نماز، زکات، حج، روزه، ولایت، و برای هیچ چیز آنچنان فریاد نشد که برای ولایت شد.»

اسلام و هدایت جامعه را زیر لوای امامت و ولایت تحقق پذیر می دیدند و در دفاع از آن، تمام کوشش خود را به کار بستند (مطلبی جونقانی و زمانی محبوب، ۱۳۹۱: ۹۳). امام رضا (علیه السلام) با نقل این حدیث نبوی که به حدیث ثقلین مشهور است «إني تارك فيكم الثقلين: كتاب الله و عترتي و لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»^{۱۷} (جوینی، ج ۲: ۱۴۶-۱۴۷)، جایگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را برای امت، به صورت روشن و صریح تبیین کردند.

با توجه به اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بارها در حدیث ثقلین بیان فرمودند که راه نجات امت، تمسک به ثقلین یعنی قرآن و عترت است، اما پس از ارتحال پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عترت عملاً توسط حکام کنار گذاشته شد و قرآن هم نقش حاشیه ای به خود گرفت، از اقدامات مهم امام رضا (علیه السلام)، تعالی بخشیدن به جایگاه این دو ثقل بود (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴). شایان ذکر است که با استناد و استدلال به حدیث متواتر ثقلین که مورد تأیید فریقین است و همچنین آیات قرآن، می توان به سادگی عصمت عترت نبوی را نشان داد، زیرا بر اساس آیه «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^{۱۸} (فصلت، ۴۲)، هیچ باطلی در قرآن راه ندارد، پس قرآن دارای عصمت بوده و حقانیت و حجیت آن تا روز قیامت باقی است. از طرف دیگر بر اساس حدیث متواتر ثقلین، عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن دو ثقل هستند که هرگز از هم جدا نخواهند شد؛ در نتیجه عترت نبوی نیز دارای عصمت و حقانیت و حجیت آن ها نیز تا روز قیامت باقی است.

امام رضا (علیه السلام) با ذکر این احادیث نبوی «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة و أبوهما خير منهما»^{۱۹} (ابن عساکر، ۱۹۹۵، ج ۲۷: ۳۹۹) و «یا محمد ان الله عزوجل یقرأ عليك السلام و یقول: قد زوجت فاطمة من علی، فزوجها منه و قد أمرت شجرة طوبی ان تحمل الدر و الياقوت و المرجان و ان أهل السماء قد فرحوا بذلك، و سیولد منهما ولدان، سیدا شباب أهل الجنة و بهم یزین أهل الجنة، فابشر یا محمد فانك خير الأولین و الآخرین»^{۲۰} (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ج ۱:

۱۷. همانا من دو چیز گران سنگ میان شما باقی می گذارم، کتاب خدا و عترتم و هرگز از یکدیگر گسسته نمی شوند تا کنار حوض کوثر پیش من آیند.

۱۸. «از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید؛ وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات]» (فولادوند، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۷۲۸).

۱۹. «حسن و حسین دو سید جوانان اهل بهشتند و پدرشان بهتر از آن هاست.»

۲۰. «ای محمد! همانا خداوند عزوجل به تو سلام می رساند و به تو می فرماید: من فاطمه را به علی تزویج کردم، تو نیز فاطمه را به

(۳۴۳) جایگاه عترت نبوی را به مردم گوشزد کرده‌اند.

در این روایت رضوی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «من أحب أن يستمسك بدینی و یركب سفينة النجاة بعدی فلیقتد بعلى بن أبی طالب و لیعاد عدوه و لیوال ولیه فإنه وصیی و خلیفتی علی امتی فی حیاتی و بعد وفاتی و هو إمام کل مسلم و أمیر کل مؤمن بعدی قوله قولی و أمره أمری و نهیه نهیی و تابعه تابعی و ناصره ناصری و خاذله خاذلی ثم قال: علیه السلام من فارق علیا بعدی لم یرنی و لم أره يوم القيامة، و من خالف علیا حرّم الله علیه الجنة و جعل مأواه النار، و من خذل علیا خذله الله يوم یعرض علیه، و من نصر علیا نصره الله يوم یلقاه و لقّنه حجته عند المسألة ثم قال علیه السلام: و الحسن و الحسین إماما امتی بعد أبیهما و سیّدا شباب اهل الجنة، و أمهما سیدة نساء العالمین، و أبوهما سید الوصیین و من ولد الحسین تسعة أئمة تاسعهم القائم من ولدی طاعتهم طاعتی و معصیتهم معصیتی إلى الله أشکو المنکرین لفضلهم و المضیعین لحرمتهم بعدی و کفی بالله ولیا و ناصرا لعترتی و أئمة امتی و منتقما من الجاحدین حقهم (و سيعلم الذین ظلموا أی منقلب ینقلبون)»^{۲۱} (جوینی، ج: ۱، ۵۴-۵۵)، جایگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام)، امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، حسنین (علیهم السلام) و امامان بعدی از نسل امام حسین (علیه السلام) به زیبایی نشان داده شده است.

منطق حاکم بر شیوه و رفتار امام رضا (علیه السلام)، نفوذ، بسط، نهادینه کردن و دفاع از اصل

علی تزویج کن و درخت طوبی را امر کردم که بار آن در و یاقوت و مرجان شود و همانا اهل آسمان به سبب آن سرور و شادمان شدند و بهزودی از فاطمه دو فرزند متولد شود که دو سید جوانان اهل بهشت باشند و به سبب آن‌ها اهل بهشت زینت یابند پس ای محمد! مژده باد تو را همانا تو، بهترین اولین و آخرین هستی.»

۲۱. «هر کس دوست دارد که به دین من تمسک جوید و کشتی نجات را بعد از من سوار شود، باید به علی بن ابی طالب اقتدا کند و باید دشمن او را دشمن دارد و دوستش را دوست دارد؛ زیرا او وصی من و خلیفه بر امت من می‌باشد در زندگی من و پس از مردن من و او امیر هر مسلمانی است و امیر هر مؤمنی بعد از من، گفتارش گفتار من است و دستورش دستور من است، نهی او نهی من است و پیرو او، پیرو من است و ناصرش ناصر من است و واگذارش واگذار من است، سپس فرمود: هر کس از علی جدا شود بعد از من، روز قیامت مرا نبیند و او را نبینم و هر کس با علی مخالفت کند، خدا بهشت را بر او حرام کند و دوزخ را جای او نماید و هر کس علی را واگذارد خدا در روز عرض حساب، او را واگذارد، هر کس علی را یاری کند، خدا روزی که او را ملاقات می‌کند (روز قیامت)، او را یاری کند و صحبت خود را در موقع سؤال و جواب به او تلقین نماید، سپس فرمود: حسن و حسین دو امام امت باشند بعد از پدر خود و دو سید جوانان اهل بهشتند، مادرشان سرور زنان بهشت است و پدرشان سرور اوصیا و از فرزندان حسین، نه امام باشد که نهمین آن‌ها قائم اولاد من است. طاعت آنان، طاعت من است و معصیت آنان، معصیت من. به خدا شکایت می‌کنم از منکران فضل آن‌ها و ضایع کنندگان حرمت آن‌ها بعد از من و خدا بس است که ولی و ناصر عترتم و ائمه امم باشد و از منکرین حق آن‌ها انتقام کشد «و حتما کسانی که ظلم کرده‌اند بهزودی خواهند دانست واژگون و سرنگون می‌شوند چه واژگون و سرنگون شدنی.»

امامت و حفظ جایگاه حقیقی امامت و ولایت به عنوان مفسران واقعی قرآن کریم و تداوم خط سیر جریان سنت نبوی است (فخرایی و مردنژاد، ۱۳۹۶: ۹۵).

۳-۳. جایگاه محبت و مودت به اهل بیت (علیهم السلام)

در منابع اهل سنت ذکر شده که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بر این مطلب تأکید کردند که «علی را دوست نمی دارد مگر مؤمن و دشمن نمی دارد او را مگر منافق» (مسلم، ج ۱: ۸۶؛ ترمذی، ۱۹۹۸، ج ۶: ۷۸؛ نسائی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۱۸؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳: ۳۷۵). تأکید بر دوستی علی (علیه السلام) و اولاد او، در حقیقت اشاره به مطلب مهمی دارد و آن، تداوم خط رهبری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ادامه مسئله ولایت الهی است. بدیهی است که قبول ولایت و رهبری علی (علیه السلام) و معصومان، همانند نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) موجب سعادت و هدایت مسلمانان است و نتیجه اش به خود آنان برمی گردد. درواقع، محبت به آن ها وسیله ای است برای قبول امامت و رهبری ایشان که پشتوانه ای بر ادای رسالت پیامبرند (رضازاده جویباری و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نمایانگر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و تنها نماینده واقعی آن است و در نتیجه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) فرع دین نبوده بلکه جزو اصول دین است. محبت ورزی و اطاعت پذیری در برابر ولی خدا، از برجسته ترین شاخصه ها و ویژگی های فرد ولایت مدار است. البته باید توجه داشت که محبت به ولی خدا در پرتو محبت به خدا و فرمانبری از آن ها، اطاعت از خداست (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

ائمہ معصومین (علیهم السلام) به ویژه امام رضا (علیه السلام) از هر فرصتی برای ترویج مودت و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) در میان امت و یادآوری جایگاه آن استفاده می کردند. امام رضا (علیه السلام) با ذکر این حدیث نبوی «إذا کان یوم القیامه لم تزل قدما عبد حتی یسأل عن أربع: عن عمره فیم أفناه؟ و عن شبابه فیم أبلاه؟ و عن مال اکتسبه من أين اکتسبه و فیما ذا أنفق؟ و عن حبنا أهل البیت»^{۲۲} (جوینی، ج ۲: ۳۰۱)، جایگاه مودت و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) را نشان داده و با بیان

۲۲. «هرگاه روز قیامت شود، هیچ بنده ای قدم بر ندارد تا اینکه از چهار چیز پرسیده می شود: از عمرش که در چه سپری نموده، از جوانی اش که در چه آزموده، از آنچه به دست آورده که از کجا آورده و در چه موردی صرف کرده است، و از دوستی ما اهل بیت.»

این حدیث «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أخذ بيد الحسن والحسين فقال: من أحبني وأحب هذين وأباهما وأمهما كان معي في الجنة، المرء مع من أحب، المرء مع من أحب، المرء مع من أحب»^{۲۳} (ابن عديم، ج ۶: ۲۵۷۸-۲۵۷۹)، نتیجه سعادت بخش مودت و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) را مورد توجه و تأکید قرار داده اند، می توان گفت که یکی از نتایج مهم مودت و محبت به عترت نبوی، همنشینی با نبی مکرم اسلام و عترت ایشان در بهشت است.

این حدیث رضوی از قول نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) «أربعة أنا لهم شفيع يوم القيامة المكرم لذريتني والقاضي حوائجهم والساعي في أمورهم عند اضطارهم إليه والمحبة لهم بقلبة ولسانه»^{۲۴} (محب الدين طبري، ۱۳۵۶: ۱۸؛ برای مطالعه بیشتر ن. ک: ج ۲: ۲۷۶-۲۷۷)، قاطعانه شفاعت نبی مکرم اسلام در روز قیامت را پاداش اکرام کننده، تلاش کننده و محب قلبی و زبانی (مودت و محبت نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)) عترت نبوی و این حدیث منقول امام رضا (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «من أحب أن يركب سفينة النجاة ويستمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل الله المتين فليوال علياً وليأتم بالهداة من ولده»^{۲۵} (حسکاني، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۶۸)، مودت و محبت به علی (علیه السلام) و اولاد او و پذیرش ولایت آنان را «سفينة النجاة، عروة الوثقى و حبل الله المتين» دانسته است. احادیث فوق که از منابع اهل سنت نقل شد، به روشنی لزوم و وجوب محبت و مودت به عترت نبوی را خاطر نشان می کند؛ البته این مودت و محبت، باید با پذیرش ولایت ائمه (علیهم السلام) همراه باشد.

۳-۴. لزوم پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) و اجتناب از دشمنی با آنها

پذیرش ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام)، تنها راه سعادت بشر است. این حدیث رضوی از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) «حرمت الجنة على من ظلم أهل بيتي وأذاني في عترتي، ومن اصطنع صنعة إلى

۲۳. «همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دست حسن و حسین را گرفت پس فرمودند: «هر کس که دوست دارد مرا و دوست دارد این دو را و پدر و مادرشان را، همراه من در بهشت است، (همراه من وارد بهشت می شود)، انسان همراه با کسی است که او را دوست دارد! در روز قیامت هر شخصی به همراه کسی است که دوستش می دارد!...»

۲۴. «من درباره چهار نفر در روز قیامت شفاعت می کنم؛ اکرام کننده به فرزندانم (کسی که فرزندانم را گرامی دارد)، برآورنده نیازهای آنها (کسی که نیازهای آنان را برآورد)، کسی که برای کارهای آنان به هنگام نیازشان بکوشد و دوستدار آنها با دل و زبانش (کسی که با دل و زبانش آنان را دوست بدارد).»

۲۵. «هر کس دوست دارد به کشتی نجات سوار شود و به دستگیره محکم چنگ بزند و به ریسمان قوی خدا پناه برد [اعتصام جوید]، باید ابعاد از من [علی را دوست بدارد و به ائمه هدایتگر از فرزندان او اقتدا نماید].»

أحد من ولد عبد المطلب ولم يجازه عليها، فأنا أجازيه غذا إذا لقيني في يوم القيامة»^{۲۶} (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸: ۳۱۲) نشان می‌دهد که یکی از پیامدهای اطاعت نکردن از اهل بیت (علیهم السلام) و آزار و اذیت عترت نبوی، حرام شدن بهشت بر آنهاست. امام رضا (علیه السلام) با ذکر این حدیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله) «الويل لظالمة أهل بيتي، عذابهم مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار»^{۲۷} (ابن مغازلی، ۱۴۲۷ق، ۱۳۱)، مجازات و عاقبت دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) و ظلم به آنها را دوزخ و عذاب دردناک دانسته است. مضمون احادیث فوق بیانگر این مطلب است که اطاعت و پیروی از اهل بیت (علیهم السلام)، امنیت آفرین و موجب حفظ شدن از عذاب اخروی است.

۳-۵. مصداق تفسیری آیات با معرفی اهل بیت (علیهم السلام)

با توجه به اینکه یکی از کارکردهای روایات در فهم آیات قرآن، بیان مصادیق آیات است، روایاتی از امام رضا (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منابع اهل سنت یافت می‌شود که در آنها، مصداق تفسیری آیه‌ای از قرآن را اهل بیت (علیهم السلام) معرفی کرده‌اند. امام رضا (علیه السلام) با نقل این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) «من النبيين محمد، ومن الصديقين علي بن أبي طالب، ومن الشهداء حمزة، ومن الصالحين الحسن والحسين وحسن أولئك رفيقا قال: القائم من آل محمد (صلی الله علیه و آله)»^{۲۸} (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۹۷)، مصداق تفسیری آیه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۹) را اهل بیت و عترت نبوی دانسته‌اند. امام رضا (علیه السلام) در حدیثی منقول از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مصداق «صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» در آیه «... وَجَبْرِئِلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»^{۲۹} (تحریم، ۴)، را امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دانسته است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۳۴۲). این نمونه‌ها به خوبی جایگاه امام رضا (علیه السلام) در تبیین و تشریح صحیح سنت نبوی درباره اهل بیت (علیهم السلام) را بیان می‌کند.

۲۶. «بهشت حرام شده بر هرکسی که بر اهل بیت من ستم روا دارد و مرا درباره عترتم بیازارد، هر کس یک نیکی به فرزندان عبدالمطلب نماید و پاداش آن را نبیند، من در روز قیامت پاداش او را خواهم داد، وقتی که مرا ببیند.»
 ۲۷. «وای بر ستم‌کنندگان (ظالمان) نسبت به اهل بیت من، عذاب آنان همراه با منافقان در درک اسفل (پایین‌ترین مرتبه جهنم) از آتش دوزخ است.»
 ۲۸. «من النبيين محمد، ومن الصديقين علي بن أبي طالب، ومن الشهداء حمزة، ومن الصالحين الحسن والحسين وحسن أولئك رفيقا قال: القائم من آل محمد (صلی الله علیه و آله)»
 ۲۹. «وَجَبْرِئِلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ»

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد مقاله را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

با توجه به شرایط پیش آمده پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و ممنوعیت نگارش احادیث نبوی، آسیب جدی و مهمی در این منبع مهم دین ایجاد شد که با شکل‌گیری جعل حدیث توسط بنی امیه به وضعیت وقیح و فجیعی رسید. اهل بیت (ع) از همان آغاز با این رویکرد مبارزه کردند و با نقل احادیث نبوی و تأکید بر نگاشتن آن‌ها مانع از انحطاط و از میان رفتن این سنت شدند. امام رضا (ع) در دوران امامت خویش که نسبت به سایر ائمه موقعیت خاص‌تر پیدا کرد، این رویکرد را با قوت بیشتری ادامه داد. هدف امام رضا (ع) در این باره اول این بود که احادیث نبوی باز نشر پیدا کند و از ورطه فراموشی و نسیان رهایی یابد و دوم اینکه سنت صحیح نبوی را از جعلیات و انتسابات دروغین بازشناسی نماید تا مسلمانان با هر مذهبی، احادیث صحیح پیامبر (ص) را بشناسند.

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام رضا (ع) در نشر و تبیین احادیث نبوی، بیان احادیث پیامبر (ص) راجع به اهل بیت (ع) بود. با توجه به مهجوریت اهل بیت (ع) از زمان رحلت پیامبر (ص) و نبود شناخت صحیح از این ثقل ارزشمند، لازم بود امام رضا (ع) همچون ائمه پیشین با تأکید بر احادیث نبوی این موضوع مهم را برای مردم تبیین نماید.

امام رضا (ع) در دوران امامت خود با توجه به شرایط و مقتضیات عصرش و با استناد به احادیث نبوی به تبیین جایگاه و مقام اهل بیت (ع) در محورهای متعددی همچون معرفی موردی مقام و منزلت برخی از اهل بیت (ع)، تبیین جایگاه امام علی (ع) و ولایت ایشان، جایگاه ولایت اهل بیت (ع)، جایگاه محبت و مودت به اهل بیت (ع)، لزوم پیروی و اطاعت از اهل بیت (ع) و اجتناب از دشمنی آن‌ها پرداختند و از این طریق، به بازشناسی و احیای سنت ناب محمدی، پاسداری و دفاع از فرهنگ ولایت، کمک شایانی کردند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آذرخش، مصطفی. (۱۳۷۶). «فضائل اهل بیت (علیهم السلام) در اهم تفاسیر اهل سنت». پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. دانشگاه تربیت مدرس.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: منشورات مکتبه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۴ق). اعتقادات الإمامیه. چاپ دوم. قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن عدیم، عمر بن احمد. (بی تا). بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۶. محقق: سهیل زکار. بیروت: دار الفکر.
- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۹۹۵). تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال. محقق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامه العمری. بیروت: دار الفکر.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۰ق). الامام و السیاسة. محقق: علی شیری. بیروت: دار الأضواء.
- ابن مردویه، احمد بن موسی. (۱۴۲۴ق). مناقب علی بن أبی طالب (علیه السلام) و ما نزل من القرآن فی علی. محقق: عبد الرزاق محمد حرز الدین. چاپ دوم. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- ابن مغازلی، علی بن محمد. (۱۴۲۴ق). مناقب أمير المؤمنين علی بن أبی طالب رضی الله عنه. محقق: أبو عبد الرحمن ترکی بن عبد الله الوادعی. صنعاء: دار الآثار.
- _____ (۱۴۲۷ق). مناقب أهل البيت (علیهم السلام). محقق: محمد کاظم محمودی. تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية - المعاونة الثقافية / مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.
- احمد بن حنبل. (۱۴۲۰). مسند الإمام أحمد بن حنبل. محقق: شعيب الأرنؤوط و آخرون. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- امین زاده، محمدرضا. (۱۳۷۷). فضائل اهل بیت (علیهم السلام) از منابع اهل سنت. قم: موسسه در راه حق.
- امینی، نوروز. (۱۳۸۷). «روایات اهل بیت (علیهم السلام) در منابع اهل سنت». علوم حدیث. شماره ۴۷. بهار ۱۳۸۷. صص: ۱۸۴-۱۴۶.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷ق). صحیح البخاری. محقق: مصطفی دیب البغا. چاپ سوم. بیروت: دار ابن کثیر.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. محقق: جلال الدین محدث. چاپ دوم. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بزار، ابوبکر احمد بن عمرو. (۱۹۸۸-۲۰۰۹). مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار. محقق: عادل بن سعد (حقق الأجزاء من ۱۰ إلى ۱۷). مدینة منورة: مکتبة العلوم والحکم.
- یستانی، قاسم. (۱۳۹۴). «منزلت امام رضا (علیه السلام) در تفاسیر اهل سنت». بینات. شماره ۸۶ و ۸۷. تابستان و پاییز ۱۳۹۴. صص: ۶۹-۹۲.
- بهادری نیا، ناصر. (۱۳۹۲). «بررسی فضای صدور روایات امام رضا (علیه السلام)». پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و

حدیث. دانشگاه قم.

بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۲۴ق). السنن الكبرى. محقق: محمد عبد القادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۹۹۸). الجامع الكبير - سنن الترمذی. محقق: بشار عواد معروف. بیروت: دار الغرب الاسلامی.

ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان. محقق: ابی محمد ابن عاشور. بیروت: دار إحياء التراث العربی. جعفریان، رسول. (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی. چاپ سوم. تهران: نشر علم. جلیلیان، الهام. (۱۳۹۱). «تحلیل و بررسی احادیث امام رضا (علیه السلام) در موضوع توحید»، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. دانشگاه رازی کرمانشاه.

جوینی، ابراهیم بن محمد. (بی تا). فرائد السمطين. محقق: محمدباقر محمودی. قم: موسسه المحمودی.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. محقق: محمدباقر محمودی. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی. مؤسسة الطبع و النشر.

حسینی میرصفی، فاطمه. (۱۳۹۴). «سخنان امام رضا (علیه السلام) در تفاسیر اهل سنت». بینات. شماره ۸۶ و ۸۷. تابستان و پاییز ۱۳۹۴. صص: ۹۳-۱۱۶.

خارستانی، اسماعیل؛ سیفی، فاطمه. (۱۳۹۳). «جایگاه ولایت پذیری و ولایت مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام)». سراج منیر. سال ۵، شماره ۱۷. صص: ۸۵-۱۰۵. خاکپور، حسین؛ محمودی، مرضیه؛ سعیدی گراغانی، منصوره. (۱۳۹۳). «نقش و آثار مدیریت فرهنگی امام رضا (علیه السلام) بر جامعه شیعه». فرهنگ رضوی. سال ۲، شماره ۸. صص: ۳۱-۵۶.

خوارزمی، موفق بن احمد. (۱۴۱۱ق). المناقب. محقق: مالک محمودی. چاپ دوم. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. دارمی، ابومحمد. (۱۴۰۷ق). سنن الدارمی. محققین: فواز أحمد زمرلی، خالد السبع العلمی. بیروت: دار الکتب العربی. رافعی، عبد الکریم بن محمد. (۱۴۰۸ق). التدوین فی أخبار قزوین. محقق: عزیرالله عطاردی. بیروت: دار الکتب العلمیه. رضازاده جویباری و جمعی از نویسندگان، محمد. (۱۳۹۰). سراج منیر (ترجمه و مفاهیم حکمت های نهج البلاغه) ویژه پیشگامان. قم: انتشارات نشر.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۰۴ق). المعجم الكبير. محقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی. چاپ دوم. موصل: مکتبه العلوم والحکم.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۳ق). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: موسسه الاعلمی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. محقق: مؤسسة البعثة. قم: دار الثقافة.

علوی، سهراب. (۱۳۷۹). امام رضا (علیه السلام) در رزمگاه ادیان. قم: مسجد مقدس صاحب الزمان جمرکان.

فخرایی، سوسن؛ مردنژاد، زهرا. (۱۳۹۶). «بررسی نقش امام رضا در تقابل با بدعت، با تأکید بر روایات عیون اخبار الرضا». پژوهش های اجتماعی اسلامی. سال ۲۳، شماره ۴ (پیاپی ۱۱۵). صص: ۷۳-۹۸.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. محققین: علی اکبر غفاری؛ محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

محب الدین طبری، احمد بن عبدالله. (۱۳۵۶). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی. قاهره: دار الکتب المصریه.

محمدی، جواهر. (۱۳۹۰). «جایگاه اهل بیت در تفاسیر اهل سنت». پایان نامه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن. جامعه المصطفی العالمیه. حوزه علمیه خاوران قم.

مسلم، مسلم بن الحجاج. (بی تا). صحیح (المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله). محقق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مطلبی جوتقانی، محسن؛ زمانی محبوب، حبیب. (۱۳۹۱). «جایگاه امامت و ولایت در اندیشه و عمل حضرت زینب (علیها السلام)». پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده. ش ۱۳. سال پنجم. صص: ۸۵-۹۴.

مقریزی، احمد بن علی. (۱۴۱۹ق). رسائل المقریزی. قاهره: دار الحديث.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

_____. (۱۳۸۶). زهرالهی برترین بانوی جهان. قم: سرور.

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عده الابرار. به اهتمام: علی اصغر حکمت. چاپ پنجم. تهران: امیر کبیر.

نسائی، احمد بن شعیب. (۱۴۰۶ق). خصائص أمير المؤمنين علی بن أبی طالب. محقق: احمد میرین البلوشی. کویت: مکتبه المعلا.

هاشمی، محمد طاهر. (۱۳۸۱). مناقب اهل بیت (علیهم السلام) از دیدگاه اهل سنت. به اهتمام ناصر حسینی میبدی. چاپ دوم. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.